



برای هر دوی درمان و دوائی است و درمان گناه
طلب مغفرت و آمرزش از درگاه خداوند می باشد.

اصول کافی ج ۲ ص ۴۳۹



دوشنبه
۱۹ مهر ۱۳۹۵
۸ محرم الحرام ۱۴۳۸
شماره ۱۷۸

www.ekashef.ir | info@ekashef.ir
www.QuranEtratSchool.ir

سال ششم

خ طابه

حادثه عاشورا بزرگترین عطیه خدا به انسان در حوزه توحید ربوبی است

بیانات آقای اخوت درباره موضوع تبلیغ و مبلغ شدن، پنجشنبه ۱۵ مهرماه (قسمت دوم)

مقدمه ای درباره شروع ماه محرم

حرف زدن، نفس کشیدن و زندگی کردن در دهه اول محرم کار بسیار سختی است. ان شاء الله که خدا ما را هوشیار کند تا بتوانیم قدر اتفاقی که افتاد را بشناسیم و جزء ضایع کنندگان این اتفاق عظمی نباشیم. به هر حال هر کس باید به سهم خودش کاری کند که جزء مهاجرین الی الله شود. ماه محرم در واقع شروع تبلیغ برای شیعه است و اصل تبلیغ هم از ماه محرم و صفر شروع می شود که در آن منسک اربعین هم وجود دارد و همچنین در برنامه های مختلفی که در دهه های مختلف این ماه جاری است، بحث تبلیغ خیلی پررنگتر میشود. حوزه های علمیه در این دو ماه به خاطر تبلیغ تعطیل می شوند و طلبه ها به شهرهای اطراف برای امر مبارک تبلیغ سوق می یابند. ماه محرم و صفر به عنوان یک سنت جاری، ماه تبلیغ است. اینکه موضوع بحث ما نیز با این دو ماه بزرگ مصادف شده است را به فال نیک می گیریم تا ان شاء الله ما هم بتوانیم جزء مبلغین باشیم.

نسبت نظام رسالت و امامت با امر تبلیغ

اصل تبلیغ، یک حرکت اجتماعی است. اگر حرکت های اجتماعی و یا ساحت اجتماعی انسان نباشند، تبلیغ معنایی ندارد. دلیل آن هم این است که یک نفر که خوب است باید دست آنکه بد یا ناقص است را بگیرد. به همین خاطر اساس حرکت تبلیغ، حرکتی اجتماعی است و از قواعد اجتماعی هم تبعیت می کند. در دو کتاب تألیفی مدرسه قرآن که با عناوین «تعقل اجتماعی» و «تفکر اجتماعی»

اینکه هنوز انذار رسولان و نیاز به امام در افراد شکل نگرفته است. وقتی نیاز به امام در افراد شکل بگیرد، ظهور اتفاق می افتد. مدل رجوع به امام در مجموعه های مذهبی باید اتفاق بیفتد، مثلاً یک مسجد امام جماعت عالم عادل داشته باشد و همه از او تبعیت کنند. در حال دیگر، امام جماعتی در آن مسجد است اما تبعیت از او هنوز برای مردم اتفاق نیفتاده، پس او حکم مُنذر را پیدا کرده و نظام رسالت را تبلیغ می کند.

کارکرد تبلیغ این است که انسانهای واصل قوه افراد جامعه را برای فعال شدن نظام امامت و نیاز به هدایت شکوفا کنند. تبلیغ یک امر اجتماعی است و هر تبلیغی در عالم اتفاق افتاده به صورت اجتماعی بوده است و هر تبلیغی هم که بخواهد اتفاق بیفتد باید به صورت اجتماعی باشد و نمی توان به این موضوع نگاه فردی داشت. پس هر قدر نگاه ساختاری تر و سازمانی تری به تبلیغ داشته باشیم، کارایی آن بیشتر می شود و به هدف تبلیغ که انذار و یا تبشیر است، نزدیکتر می شویم. انبیاء از مبلغین درجه اول بودند که اسمشان را منذر می گذاریم. انذار اولین سطح تبلیغ از طرف فردی است که با مردم اتصال دارد. فضای اول تبلیغ انذاری مثل فضای مکی است که منذر امر به تقوا می کند و از خطرات هشدار می دهد و بایستی از او اطاعت کرد. فضای دوم تبلیغ انذاری شبیه فضای مدنی است یعنی افراد مومن شده اند و برای شناخت و اجرای احکام نیاز به راهبر دارند که به رهبر دلالت داده می شوند. پس ابتدا نظام رسالت فعال می شود و بعد از آن نظام امامت، و تا وقتی که نظام رسالت

منتشر شده اند، به خصوص در کتاب اول، بخشهایی از آنها به مبانی تبلیغ پرداخته است. به نوعی مبانی تبلیغ در کتاب تعقل اجتماعی بیان شده و حرف این کتاب این است که انسانها در جامعه در دو دسته «واصل» و «غیر واصل» طبقه بندی می شوند. واصلین آنهایی هستند که به واسطه فهم یا علم یا یک نظامی، از حکم خدا خبردار می شوند و غیر واصلین به وسیله این افراد باید به خدا وصل شوند. گاهی اوقات این گونه است که افراد ملزم هستند به این افراد مراجعه کنند که در این حالت نظام امامت شکل می گیرد و گاهی اوقات این افراد باید به سراغ سایرین بروند که در آن حالت، نظام رسالت شکل می گیرد. پس نظام امامت و رسالت دو نظام هستند که در این چهارچوب شکل می گیرند. انسانهای واصل اگر مامور شوند که به دیگران سر بزنند، طبیب دوار باشند، بگردند و انسانها را انذار دهند در آن صورت در نقش رسول قرار گرفته اند و ماموریت آنها نیز انذار و تبلیغ است. بعد از آنکه انسانها انذار یافتند و نیاز به هدایت پیدا کردند باید به آنکه وصل است، رجوع کنند که در این نقطه، نظام امامت شکل می گیرد.

پس نظام امامت شکل می گیرد مگر اینکه انذار رسولان در جوامع محقق شده باشد تا انسانها برای حضور در نظام امامت آماده شوند. تا زمانی هم که انسانها خودشان به امام رجوع نکنند نظام امامت اقامه نمی شود. بنابراین یکی از مسائلی که در تبلیغ مهم است این است که نوع مردم به هدایت نیازمند شوند و رجوع به امام را آغاز کنند. از دلایلی که امام زمان علیه السلام غایب هستند



فعال نشود، نظام امامت شکل نمی گیرد.

قبل از اینکه یک مبلغ در ساحت تبلیغ قرار بگیرد نیاز به حمایت دارد، یک فرد تنها نمی تواند تبلیغ کند بلکه باید یک جمع تشکیل شود. منذر بایستی از طرف اعضای درجه اول خانواده اش حمایت شود. مثل حضرت موسی (علیه السلام) که خواهر و مادر ایشان محافظ و حامی بودند. بعد از آن افرادی شیعه و پیرو منذر شده و یک مجموعه شکل می گیرد. حضرت موسی (علیه السلام) وزیر داشتند که حضرت هارون (علیه السلام) بود و همینطور حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نیز امیرالمومنین (علیه السلام) را به عنوان وزیر و حضرت خدیجه (علیها السلام) را به عنوان حمایت کننده نیاز داشتند تا جرایبی حامی و هماهنگ کننده ای در کنار منذر وجود داشته است. نکته جالب تبلیغ اینکه اولین سطح تبلیغ اندازی در بستر خویشاوندان است که اگر بازتابی داشت، آن بازتاب بتواند تبدیل به حمایت عشیره ای شود. یعنی علت اینکه منذر بایستی ابتدا در عشیره خود تبلیغ را آغاز کند به این خاطر است که اگر ساز و برگ عشیره همراه شده و کمک کنند، کار خیلی راحت تر از این می شود که یک نفر تک و تنها بخواهد علم را به دوش بکشد. از اینجا به بعد تبلیغ در دو ساحت می تواند ادامه یابد: یک ساحت ذاتی و اصیل و ساحت دیگر، انتقالی است. یعنی مبلغان دو دسته می شوند: دسته اول مبلغان اصلی که همان منذرین و مبشرین هستند و دسته بعدی نافلان آنها که همه ما جزء نافلان هستیم و تبلیغمان، تبلیغ اولیه نیست. یعنی حرفهای خوبی شنیده ایم و به بقیه هم می گوئیم. مثل اتفاقی که در غدیر خم افتاد و هرکه سخن پیامبر را درباره انتصاب امیرالمومنین (علیه السلام) به جانشینی شنیده بود، موظف بود تا به بقیه انتقال دهد و اگر انتقال نمی داد مسئول بود. به همین نسبت، اگر کسی قرآن بخواند و حقیقتی را از قرآن به دست آورد، اجازه ندارد بگوید من که گنه کارم و نمی توانم این حقیقت را به بقیه بگویم!

سه معیار جهت تبیین نظام تبلیغ انتقالی

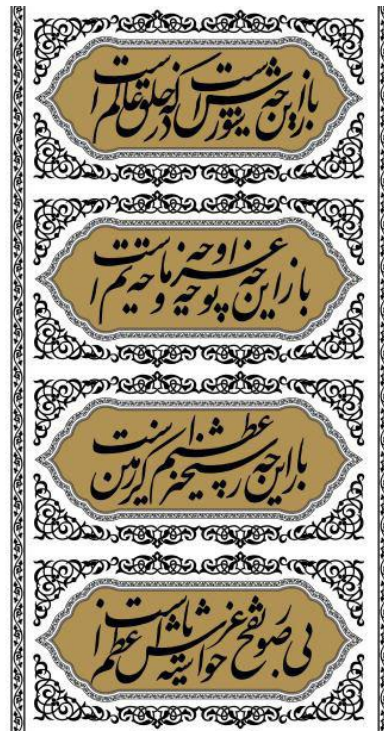
از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایتی در کتاب اصول کافی (جلد اول، باب الحجه) درباره حاملین امر تبلیغی ذکر شده است:

پیامبر در مسجد خیف برای مردم سخنرانی کردند و فرمودند خدا یاری کند بنده ای را که سخن

من را بشنود و حفظ کند و به گوش کسانی که نشنیده اند برساند، چه بسا حامل فقهی که خودش فقیه نیست و حامل فقهی است که فقیه است و آن فقه را به کسی که از او فقیه تر است، می رساند. در ادامه همین روایت که از امام صادق (علیه السلام) به نقل از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نیز روایت شده است، فرموده اند: سه خصلت است که دل هیچ مسلمانی به آن خیانت نکند - یعنی نباید خیانت بکند تا مومن به او اطلاق شود-:

۱. کارهایی که انجام می دهد خالصانه برای خدا باشد.

۲. ائمه مسلمین را نصیحت کند. یعنی همراهی شان کند و امین آنها باشد. نصیحت یعنی خیرخواهی



کردن و خیر خواستن، و نه امر و نهی کردن. یعنی وسیله انتقال مقاصد ائمه مسلمین شویم و منظور هم این نیست که ائمه مسلمین الزاما جزء معصومین (علیهم السلام) باشند بلکه منظور کسانی اند که در سیستم مسلمانان به عنوان سرگروه تعیین می شوند. یعنی نظام امام و ماموم داشته باشیم و در آن خیرخواهی کنیم.

۳. همراهی با جماعت مسلمین. که یعنی لزوم وحدت و کار را به صورت جمعی پیش بردن. مثلا اگر فردی می خواهد برای تبلیغ قرآن وارد خوابگاه و دانشگاه شود باید به صورت جمعی و سازماندهی

شده، وارد تبلیغ شود. تبلیغ در درون خود و پیامی که انتقال می دهد ساحت اجتماعی دارد. همچنین مبلغ نباید غیرمنعطف باشد، بلکه باید خود را با جماعت همراه کند.

پس همانطور که ذکر شد تبلیغ دارای دو ساحت است و مادر ساحت دوم که شأن آن انتقال محتوای حق است، قرار داریم. در این ساحت، کتابت و درست نقل کردن اهمیت دارد. بنابراین مبلغ باید درست مطالب را انتقال دهد و غل و غشی در آن نداشته باشد. وقتی انسان قصد کرد وارد جمعی شود باید با معیار و حجت های دینی نظام آن جمع را بسنجد و وقتی وارد شد، باید ببیند می تواند تابع آن جمع باشد و آن را بپذیرد یا خیر. بعد از پذیرش جمع، باید همراه و همراستای آن جمع شود و تکروی نکند و در نهایت اینکه اخلاص داشته باشد و برای مسائل مالی کار نکند. طبق روایت فوق، این سه مورد ارکان تبلیغ انتقالی است و تبلیغ انتقالی حتما باید در ساحت جمع رخ دهد.

بنابراین نصیحت، کار خالصانه و جمعی کار کردن، جمع را به سمت تربیت مبلغین انتقالی پیش می برد و تولید آثار مکتوب و غیر مکتوب را به شدت افزایش می دهد. در هر مجموعه ای که دینی است این سه مورد بایستی مورد التزام باشد.

مثلا اگر بخواهیم برای مجموعه خودمان ارزیابی درستی از وضعیت مدارس تخصصی داشته باشیم، باید ابتدا بررسی کرد که مقاصد هر مدرسه تخصص چیست؟ راهی که تعریف کرده، چگونه است و چه امکاناتی برای آن گذاشته است؟ توقعش از افرادی که وارد آن جمع می شوند و کادر چیست؟ این موارد را باید یکی یکی بررسی کرد، که با بررسی آن معلوم می شود آیا این نظام مطابق شرع و ولایت هست یا خیر. اینگونه می توان تشخیص داد که چقدر این ساختار مطابق نظام ولایت است. در مرحله بعد باید بررسی کرد که:

۱. هر مدرسه چقدر توانسته افراد را همگن کند؟ که معیار سوم روایت درباره لزوم همراهی جماعت می باشد.

۲. هر مدرسه چقدر توانسته مشارکت بقیه را در همراهی کردن برانگیزاند؟ چون نصیحت یعنی مشارکت فعالانه که معیار دوم روایت بود.

۳. و چقدر افراد توانسته اند در آن مخلصانه عمل کنند و ریا و اختلاف در جمع نباشد؟ که معیار اول روایت را شامل می شود.

با این سه معیار روایی می توان پرسشنامه کیفی طراحی کرد و وضعیت مدارس را سنجید. این روایت در طبع خودش امکان کمی کردن و میدانی کردن را دارد. یعنی حتی می توان سنجید و گفت که جمع ما مثلا فلان درصد از آن روایت را اجرا می کند. این سه معیاری که پیامبر ﷺ فرمودند عناصر اصلی تبلیغ انتقالی را شامل می شوند. هیچ مدل تبلیغی و ابلاغی خارج از این نظام معنا ندارد و شبکه اجتماعی مبلغین، دین را در این سه مولفه توأسی می کند. بیان این سه مولفه آنقدر مهم بوده است که پیامبر ﷺ حتی با این وجود که می دانسته اند ممکن است از این روایت سوءاستفاده شود اما از بیان آن ابا نه کرده اند. این روایت توسط اهل سنت در زمان امام صادق علیه السلام به عنوان مستمکی استفاده می شده تا به ایشان خرده بگیرند و طعنه بزنند که چرا خلاف روایت عمل می کنند و خلافت دیگران را نمی پذیرند.

نسبت حادثه عاشورا با تبلیغ انتقالی

کربلا، توسط پارچه مشکی، تباهی و روضه در نظام انتقال قرار گرفت و بعد همینطور انتقال پیدا کرد تا جریان امام حسین علیه السلام به جریانهای مانند انقلاب اسلامی و صبر و مقاومت جنگ تحمیلی انتقال پیوند بخورد. خیلیها در کوچه ها بیرق و پارچه مشکی می زنند اما پیام امام حسین علیه السلام را هم نمی دانند، با این حال پیام را انتقال می دهند. حادثه عاشورا بزرگترین عطیه خدا به انسان در حوزه توحید ربوبی است. اصل ماجرا این است و ما این نکته را با روضه انتقال می دهیم. توحید ربوبی یعنی خدا آنقدر می ارزد که عاشورا هم می تواند رخ دهد. خدا به وسیله عاشورا میزان را برای اینکه انسان هزینه کند تا بگوید خدا هست، تعیین می کند. هرکه بتواند مصیبت را بزرگتر در ذهن خود بیاورد، قیمت خدا برای او بالاتر می رود. قیمت این مصیبت بی نهایت است، پس قیمت خدا هم بی نهایت است. بنابراین با روضه آن را انتقال دهیم.

همچنین خطبیه فدکیه نیز مخرج تبلیغ در عالم است

و هیچ سندی بالاتر از سند خطبه فدکیه در عالم نوشته نشده و نخواهد شد. این خطبه در حمایت جانانه یک نفر از امامش گفته شده است، بدون آنکه هیچ گونه تزلزل ساختاری در متن آن وجود داشته باشد به طوری که اگر دهها ادیب پای این خطبه باشند، نمی توانند بار آن را به دوش بکشند. در این خطبه شأن پیامبر ﷺ مطرح شده است. نتیجه بحث اینکه تبلیغ ساحت اجتماعی دارد که خود بر دو گونه است: ساحت ذاتی و اصلی تبلیغ که با جنبه انذار و تبشیری نمود می یابد و ساحت دوم، تبلیغ انتقالی است. ما اکنون در مرحله تبلیغ انتقالی هستیم. یعنی قرآن را می خوانیم اما نمی دانیم از قرآن چه چیزهایی بر می آید. سعی می کنیم تدبر کنیم و آن را انتقال دهیم. از مواجهه با آیه، مفهومی صادر می شود و می دانیم باید طهارت داشته باشیم. همینها را هم انتقال می دهیم تا ان شاء الله همه از قرآن بگویند، عالم شکوفا شده، جریانهای تاریخی ایجاد شده و نور خدا در جامعه جاری شود، به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.



از دفتر خاطرات یک مجاهد

وصف عیشی متدبرانه

برگرفته از تجربه حضور در کارگاههای یک روزه تدبر

الان بر سر سفره رنگینی نشستیم که برای هر ذائقه و طبعی و از هر طعمی طعامی لذیذ به تو می چشاند. این روشهای کریم و گرانقدر پله های شروعی هستند برای بالا رفتن و دیدن افق هایی پرشکوه از قرآن عزیز. خدایا تو را شاکرم که مرا در زمانی متولد کردی که میتوانم این نعمت تو را نوش جان کنم. خدایا از تو می خواهم مرا عامل به قرآن کنی. من بعد از روشهای تدبر در کتابت، با من قبل آن فرق داشته باشد و چیزی جز این از کتاب کریم انتظار نمی رود، مرا قدردان آن کن. خدایا به خاطر وجود همه عزیزی که اسباب این ضیافت را فراهم کردند و برای برپایی آن از جسم و جانشان گذشتند تو را شاکرم و توفیقشان را روز افزون کن.

بعضی چیزها را باید نوشت، نمیدانم، شاید برای آیندگان، شاید که چون قلمی در این عالم مینویسد تو هم به دلت می افتد که بنویسی. برنامه مرور کتب تدبر گذاشته بودند، از تفکر تا قرآن به قرآن، هر کدام یک روز، از صبح تا غروب. صبح تا ظهر مرور کتاب و مباحثه، بعد از نماز رفع اشکال و بعد هم آزمون. چقدر باشکوه بود همه چیزش. اساتیدی که به کتابها و مفاهیم بلندشان تسلط داشتند. تسلط آنها به روشها ستودنی بود، و نشستن دهها نفر کنار هم برای مباحثه، حلقه های زیبایی بودند و نایاب. در چه نعمت بزرگی غرق شده ایم. میان این همه قرنهای گذشته است، میان این همه آدمها که آمده اند و رفته اند، الان ما در زمانی هستیم که میتوانیم روشهایی برای مراجعه به قرآن داشته باشیم. نعمتی که شاید هزاران سال انسانهای بسیار و حتی می توان گفت بزرگان فراوانی از آن محروم بودند. اما ما



یادداشت ادبی

اعرج اولوالالباب

شبها در راه بود و روزها استراحت می کرد
هی دانم چند شبانه روز در راه بود
پیش خودش فکر نکرد که جهاد بر من واجب نیست
پیش خودش فکر نکرد که مسیر رسیدن به
حسین علیه السلام سخت است و از من ساخته نیست
شاید هم فکر کرده بود و قلب مجنونش گفته بود:
از کوفه تا کربلا به تاخت اسب که راه دوری نیست؛
فقط تا به حال کسی لنگ لنگان نرفته که تو می
روی
پیش خودش فکر نکرد که من اعرج کجا و خاندان
اهل بیت کجا
پیش خودش فکر نکرد که من ناتوان کجا و امثال

حبیب کجا؛
شاید هم فکر کرده بود و ندای قلبش را شنیده بود
که می گفت: مگر تو عاشق نیستی؟! عاشقیات را به
نمایش بگذار. به ناتوانیات میندیش...
شاید فکر کرده بود که اگر هم برسم نه تنها کمکی
نتوانم کرد که وبالش می شوم
و ندای قلبش را شنیده بود که می گفت: مگر به
آقای حسین علیه السلام شک داری؟! تو اینهمه راه بروی
و به او برسی دست رد به سینهات نمی زند. اگر نروی
روحتم هم اعرج می شود! تمام زندگیت! می خواهی
چه کنی بعد از حسین علیه السلام؟!
هر چه شبیه در ذهنش آمده بود به محکمت

قلبش ارجاع داده بود
می دانم چه افکار دیگری در سرش بود
می دانم حتی به همینها هم فکر کرده بود یا نه
می دانم اصلا اهل حساب و کتاب بود یا نه
شاید به همین دلیل دیگر در تاریخ نظیری برایش
نیست
با این وجود او اولوالالباب بود...
«الذین بذلوا مهجهم دون الحسين علیه السلام».

۱. مسلم ابن کثیر اعرج از اهل کوفه، به دلیل لنگ
بودن به اعرج مشهور بود.

شهریانو کند

شبهه ترین به رسولی با خلق عظیم

برگرفته از سوره مبارکه قلم

السلام علیک یا علی بن الحسین علیه السلام یا علی اکبر علیه السلام
سلام خدا بر حضرت قلم علیه السلام. او که خلقتش مسطور شده دوباره رسول
خدا صلی الله علیه و آله بود بر روی زمین. او که تجسم دوباره ای بود از خلق عظیم. و با هر
کلام و هر کردار خلق عظیم رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر صفحه روزگار می نگاشت. تا
آدم زادگان از روی صفحه وجودش و سطر سطر حضورش، سرمشق بگیرند تسلیم
محض حق بودن و هدایت شدن را.
اما وای بر تکذیب کنندگان حضرتش، که منطق حقش را نشناختند و برنافتند.
او مولود دوباره خاندان خلق عظیم بود و تشنه هدایت عالم به باغهای نعیم
و پناه یافتن در کنار پروردگار. لذا با وجود هجمه انکارها از آنجا که خلقتش به

واسطه شبهه الناس به خلق عظیم جاری بود و دائمی، آن به آن می شکفت و
عطر وجودش غبار غم از جانهای خسته عاشقانش می شست. اما انس یافتگان
به پستی ها و مآمان معاند نسیم حضورش را تاب نمی آوردند. آنقدر که جنون و
جرم شان بالا و بالا گرفت تا آنکه در کرب و بلای ارض سطر سطر شدن جسم
پاکش را به نظاره نشستند.
حالا دیگر ذلت خالی شدن از سطر، تمام وجودشان را فرا گرفته بود.
حالا دیگر سطر و سری نبود برای سرمشق گرفتن و بالا رفتن...
علی لعنة الله علی القوم الظالمین...

نرگس خراسانی

پیشخوان

برگزاری مراسم شام غریبان توسط هیئت رهروان قرآن و عترت علیه السلام

مراسم شام غریبان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، چهارشنبه ۲۱ مهرماه بعد از نماز مغرب و عشاء با قرائت زیارت عاشورا و سخنرانی آقای اخوت با موضوع
«دعای علقمه» و سپس مرثیه سرایی مداحان اهل بیت علیه السلام در مکان مدرسه دانشجویی قرآن و عترت علیه السلام (خ. کارگر شمالی، پلاک ۱۴۳۷) برگزار خواهد شد.
شرکت برای عموم عزاداران حسینی آزاد و مایه امتنان است.

فراخوان مدرسه علوم انسانی جهت جذب نیروهای علاقه مند به پژوهش

مدرسه عبودیت عبدالرحمن (علوم انسانی) با تدبیر مکی
شرایط ذیل عضو جدید می پذیرد:
۱. گذراندن دوره عمومی و تخصصی تدبیر (تا دوره تا مهارتی) در موضوعات شاکله، استعدادشناسی،
علاقه مند به کارهای پژوهشی (از سطوح بنیادی
علاقه مندان جهت عضویت می توانند با خانم
خراسانی (۰۹۱۹۴۸۴۲۱۱۹) ارتباط بگیرند.

معرفی کانال تلگرامی رُمان، سامانه تبلیغی مجمع مدارس قرآن و عترت علیه السلام

کانال تلگرامی رُمان (mhromman@) سامانه اطلاع رسانی درباره تازه های
نشر قرآن و اهل بیت نبوت علیه السلام می باشد. همچنین هفته نامه های کاشف،
اخبار و تبلیغات برنامه های مجمع مدارس، محتوای مناسبی شامل سوره
نوشت، حدیث، پوستر و... در این کانال عمومی قابل دسترسی است.

کاشت

صاحب امتیاز | احمد رضا اخوت
زیر نظر | هیأت سردبیر
مدیر مسئول | فاطمه سادات شریعتمدار
هیأت تحریری | دانشجویان مدرسه قرآن و عترت علیه السلام (کاشفیون)